

نگاهی به مجموعه داستان «غریبه و اقاچیا»

## داستان یک دلاور

هنگامی که مجموعه داستان «غریبه و اقاچیا» نوشته علی اصغر شیرزادی در اواخر دهه ۱۳۶۰ از قطعی پالتویی با طرح جلدی شاعرانه توسط انتشارات نی منتشر شد، هیچ کس فکر نمی کرد این کتاب چند سال بعد جایزه ۲۰ سال داستان نویسی معاصر را از آن خود کند. منتقدهای زیادی در مورد این کتاب نقدوتحلیل نوشتند. خیلی ها معتقد بودند این مجموعه داستان به این دلیل مورد توجه قرار گرفت که از ساختار و پرداخت شسته‌رفته‌ای برخوردار بود و تکنیک نوشتاری آن نوید آمدن یک نویسنده آوانگارد را به ادبیات ایران می داد. در این مجموعه داستان یک نوع هارمونی و هماهنگی بین فرم داستان با پیرنگ داستان ها در جریان است، به طوری که مخاطب هم از موضوع داستان‌ها لذت می برد و هم از ساختار داستان‌ها به تفکر می رسد. غریبه و اقاچیا از ۹داستان تشکیل شده است. داستان های این کتاب رئال و اجتماعی هستند و نویسنده در این‌قصه‌ها نوعی پوستاندازی در نوشتن رسیده و با وسواس و دقت از میان سیاه‌منشق‌هایش بهترین کارهایش را به ناشر سپرده تا به قول معروف پس از ضعیف بودن داستانش احساس ندامت نکند. در برخی داستان‌های کتاب رگه‌هایی از سبک پست‌مدرن به چشم می خورد و نیمی دیگر از داستان‌ها هم از پرداختی خطی و مستقیم برخوردارند و می‌توان گفت شیرزادی آنها را تحت تاثیر داستان‌های نویسندگان نسل دوم ایران مثل سیمین دانشور، بهرام صادقی احمد محمود و… نوشته است. اما یکی از داستان‌های ماندگار این کتاب که توجهم را جلب کرد، داستانی است به نام «دلاور» که در مورد جنگ است. این داستان آنطور که تاریخ نگارش آن نشان می دهد در همان روزهای جنگ نوشته شده است.

راوی داستان یک معلم هنرستان است که از روی ظاهر، یکی از شاگردان کلاس‌را که قدیر نام دارد مورد قضاوت قرار داده و از او منتفر است: «صاف و پوست بکند اعتراف کنم که بفهمی نطفه‌ی او از نافر داشتم. راستش اینکه نه تنها به صورت یک دبیر در برابر کارش بلکه به صورت یک آدم در برابر آدمی از سنخ دیگری… بچه‌های مدرسه به خاطر یک‌به بزن بودن قدیر به او لقب دلاور داده‌اند. یک روز اقامعلم از شاگردان هنرستانی اش می‌خواهد که در مورد جنگ انشایی بنویسند. قدیر در یک سطر می‌نویسد که با انشائمی‌شود حرف از جنگ زد، باید به جبهه رفت اما معنای جنگ را نفهمید. این حرف به معلم برمی‌خورد و قدیر را جلوی بقیه هم‌کلاسی‌ها مورد تحقیر قرار می دهد. در پایان داستان معلم می‌فهمد که قدیر نه تنها چیزی نیست بلکه برعکس چهره خشن و غلط‌اندازش یک مکانیک زحمتکش است که جای پدر مرحومش خرج خانه را تأمین می‌کند. در همان روزها قدیر به جبهه ایازان می‌رود و بعد از مجروح شدن عمّا به دست برمی‌گردد. معلم که با او دوست است می‌بردند این داستان فضا سازی‌های عالی و شخصیت پردازی استادانه نویسنده است که به ماندگار ی داستان کمک کرده است: «فقط بی‌رقی و ملال‌انگیز بعدازظهر پاییز به طور مورد از شیشه‌های غبار گرفته پنجره‌های کلاس راه به درون یافته بود. در چشم‌ها و چهره‌های جوان و اغلب شاداب و با طراوت و ظاهراً بی‌خیال این بچه‌ها می‌شد خط لرزانی از اضطراب پوشیده و پنهان را خواند. همین در شرایط نامساعدی درگیر جنگی ناخواسته و تحمیل شده بود…» با همه این تفصیلات، علی‌اصغر شیرزادی در این داستان مثل بقیه داستان‌هایش دچار پر گوویی شده است. به هر حال وقتی مخاطب از نویسنده انتظار خواندن داستان کوتاه را دارد، نباید نویسنده توصیفات طولانی و اضافّه را به بدنه داستان بچسباند، مثلاً قفن معلم به جنوب شهر و پدیر کردن خانه قدیر و پرداختن به بیماری مادر قدیر کمی قفه را از بحث اصلی‌اش دور کرده و باعث طولانی بودن داستان شده است. داستان پایانبندی زیبایی دارد. از آن پایانبندی‌هایی که به ماندگاری داستان می‌افزاید:«نفس بلندی کشید و لبخند زد: درامون دعا کنین آقا… حادخافظ. ایستادم و او را که بارانی پشمی کپنه، بدون قفن و کلاه و بزیش خموش فر ف دید می‌شد، تماشا کردم. درایتم که چون عزیزترین عزیزانم دوستش دارم…».

## کتاب خبیر

**با محوریت شهید سیهید قاسم سلیمانی**
**مسابقه «روایت سرباز» برگزار می‌شود**
**بنیاد فرهنگی – هنری رودکی در آستانه اولین سالگرد شهادت سیهید حاج قاسم سلیمانی**
**مسابقه عکاسی «روایت سرباز» را برگزار می‌کند.**
به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی، در پاسداشت نام و یاد و راه سیهید حاج قاسم سلیمانی، بنیاد رودکی یک مسابقه عکس خبری برگزار می‌کند. مسابقه عکس خبری «روایت سرباز» آدای آید وین جامعه هنری کشور به این شهید والا مقام در اولین سالگرد معراج شهید است. بنیاد رودکی، جامعه عکاسان کشور را به مشارکت در مسابقه عکس شهید سلیمانی فرا می‌خواند. این در حالی است که فراخوان این مسابقه در روزهای آینده منتشر می‌شود.

## کتاب تلویریون



**روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران**
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سر دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
قطاع میزای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، شماره: ۶-۴۵۶۳۴۴۸۸۸
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۰۹۲ | سه‌شنبه ۱۸ آذر ۱۳۹۹ | ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۱:۵۶ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۱ | مغرب: ۱۷:۱۱ | نیمه‌شب: ۲۳:۱۲ | اذان صبح: ۵:۲۳ | طلوع آفتاب: ۷:۰۲ |

# سَمّ شام‌های غیر ایرانی در شبکه خانگی

**توهین بهاره رهنما به قوم لر در برنامه شبه‌ماهوراهی «شام ایرانی»**

**به دلیل اعتراض وسیع چهره‌های مختلف جامعه مورد توجه قرار گرفت اما مشکل اصلی تهیه‌کننده‌هایی هستند که ثابت کرده‌اند صلاحیت برنامه‌سازی ندارند**



■ **مصطفی شاه‌کرمی**

کارشناسان و دلسوزان معتقدند تعارض فرهنگی برنامه‌سازی در فضای مجازی و ترویج سبک زندگی غیر ایرانی در آنها لایه‌های پنهانی دارد که به مرور در سطح جامعه و سبک زندگی مردم دیده خواهد شد. چند سالی است برخی سینماگران و فیلمسازان که اصالت سود و کسب انتفاع مالی برایشان از هر چیزی مهم‌تر است با کبی برداری از برنامه‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای سعی کرده‌اند ولو به قیمت تاراج سرمایه اجتماعی خانواده‌ها و حیازدایی و ساختار شکنی در بین مخاطبان، جیب خودشان را پر کنند. اغلب این برنامه‌ها کسی کاری شده از شبکه‌های ضدانقلاب همچون «من و تو» هستند که در سایه عدم نظارت قانونی و کوتاهی مسئولان خانواده، زسان، باورهای اعتقادی جامعه‌و ارزش‌ها و هنرهای خانواده ایرانی مودل تاخت و تاز آنها قرار گرفته است.

■ **«شام ایرانی» از شبکه ماهواره‌ای**

**تا نمایش خانگی**

شام ایرانی نام مجموعه‌ای ویدئویی است که سری اول آن به کارگردانی بیژن بیرنگ در زمستان سال ۱۳۹۰ ساخته و منتشر شد. ساخت و توزیع سری جدید این مجموعه از زمستان سال گذشته به کارگردانی سعید ابوطالب در شبکه نمایش خانگی آغاز شد. این برنامه الهام گرفته از مجموعه تلویزیونی به اسم «Come Dine with Me» است که نمونه فارسی آن چند سال پیش توسط شبکه ماهواره‌ای «من و تو» ساخته شده است. این برنامه در فرم و محتوا و سبک زندگی‌ای که ارائه می‌دهد، منطبق با سیاست‌های ضد خانواده شبکه ماهواره‌ای «من و تو» طراحی و تولید شده است. اغلب کارشناسان حوزه خانواده و علوم اجتماعی متفق‌القول هستند پیوسته‌های فرهنگی و اجتماعی این شام شوم و لایه‌های پنهانش با رویکرد و نوع نگاه ایرانیان نسبت به خانواده و ساختار و سطح روابط خانوادگی ما که بر پایه سبک زندگی و ریشه‌های تمدنی غنی و اصیل استوار است، کمترین تناسب و تشابهی ندارد.

■ **وقتی نهاد‌های نظارتی خوابند**

در قسمت اخیر مجموعه «شام ایرانی» به کارگردانی سعید ابوطالب، بهاره رهنما در

## حکمت

امام موسی کاظم(ع):

دعایی که بیشتر امید اجابت آن می‌رود و زودتر به اجابت می‌رسد، دعا برای برادر دینی است در پشت سر او.
(اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲)

علاج واقعه قبل از وقوع باید صورت بگیرد
در غیر این صورت اگر قرار باشد تخلف یا تخطی‌ای صورت بگیرد و نهادهای نظارتی و مسئولان که باید حکم چشم بیدار دستگاه‌های متولی حوزه فرهنگ و هنر را ایفا کنند، بعد از همه‌گیری و گسترش آن اتفاق ناخوشایند موهن و غیرقانونی در جامعه به آن واکنش نشان

دهند که اساساً با اصل وجودی شکل‌گیری و طراحی چنین ناظرانی در تضاد است. ممکن است واکنش لاش‌پشت‌گونه بخش‌های مسئول و ناظر بر محتوا در جاهایی مثل برنامه زنده تا حدودی قابل رفع و رجوع و توجیه باشد اما در مورد برنامه‌های تولیدی و به اصطلاح ضبطی که بعد از گذراندن مراحل مختلف زانبری مانند تصویربرداری، تدوین، صداگذاری و دیگر اقدامات حرفه‌ای کسی متوجه خطب منتشرکننده‌های مثل دیالوگ بهاره رهنما در شام ایرانی نشود، باید نسبت به ساختار و رفتار غیرمسئولانه آن تشکیلات بازگری جدی و عملکرد ایانه‌ای صورت بگیرد. اگر قرار باشد یک اقدام یا اتفاق موهن در سطح وسیع و بین اقشار مردم توزیع شود و به دلیل حساسیت مردم نسبت به اصول اخلاقی و دینی منبعث از سابقه تمدنی و معرفتی با واکنش‌های گسترده مواجه شود، پس این همه خدم و ششم و دکان دستگاه‌های عریض و طویل برطمراق برای چه موافعی ایجاد شده‌اند؟ قطعاً هر اقدامی و واکنشی باید در سطح و طرز کارش باشد اما این واکنش نباید به شکلی باشد که خطای دیگر کسان جسارت تکرار چنین اشتباهاتی را به خود بدهند، به کلام بهتر اگر برخورد قانونی با این اتفاقات سخیف و مبتذل در اذهان آحاد جامعه بازگردانی ایجاد نکند، احتمال تکرار و حتی پذیرش رسک و تقبل پرداخت جریمه احتمالی را به خاطر کسب ثمنای مالی یا اثرات ادراکی آن تخلف در اذهان مخاطبان محتمل می‌کند. برخورد و اجرای بدون تئازل شویابط و چشاندن مُز قانون به متخلفین و متمردین امری پسندیده و امیدوارکننده است اما به غیر از توجه به اصل تخلف و تخطی واقع شده آن چیزی که اهمیت هنرتر از آن دارد، جرحه‌دار شدن روحیه و غرور اجتماعی است که در چنین موقعیت‌هایی باید به آن توجه ویژه‌ای داشت.

## نما حسین کشتکار



## ادبیات

**یحیی یثربی در نشست «ادبیات، انسان، شهر» مطرح کرد**

## سعدی در اوج اقتدار عرفان، رویکرد اجتماعی دارد

**در آثار غزالی اشاره‌ای به حوادث تاریخی نیست، اما با وجود موج عظیم عرفان سعدی در دل مردم بود و به بسیاری از حوادث تاریخی اشاره و به مشکلات جامعه نیز توجه کرده است**

### علی موحد

سعدی در دل مردم بود، به بسیاری از حوادث تاریخی اشاره کرده و به مشکلات جامعه نیز توجه داشته است. مثلاً سعدی در قصیده معروف خود که سعد بن اتابک سعدی را مدح کرده، از او انتقاد نیز کرده است. یحیی یثربی نویسنده و اندیشمند ایرانی و استاد دانشگاه علامه طباطبایی که آثاری مانند قلندر و قلعه و صلیب و صلابت را در کارنامه دارد، هممان ششی دیگر از سلسله جلسات همایش ملی «ادبیات، انسان، شهر» بود و به موضوع نقد اجتماعی در آثار سعدی پرداخت.

او در آغاز صحبت‌هایش گفت: سعدی هم‌دوره کسانی مانند مولانا، ابن عربی و… بود. در آن دوره بیشتر اشاره‌بن مباحث عرفانی می‌پرداختند. این علاقه به مسائل عرفانی تاکنون نیز در شعرا م رواج دارد. سعدی در اوج اقتدار عرفان، به مطالب و مسائل روز پرداخته، یعنی به اندازه دیگران به مسائل عرفانی توجهی نداشته است. وی افزود: سعدی در این زمان نگرش سیاسی و اجتماعی را نیز فراموش نکرده است. با ورود موج عظیم عرفان ما از این نوع نگرش فاصله گرفتیم، مثلاً در آثار غزالی اشاره‌ای به حوادث تاریخی نیست، اما سعدی در دل مردم بود، به بسیاری از حوادث تاریخی اشاره و به مشکلات جامعه نیز توجه کرده است، مثلاً سعدی در قصیده معروفش که سعد بن اتابک سعدی را مدح کرده، از او انتقاد نیز کرده است.

■ **عرفان نقاط ضعف**

یثربی با اشاره به نقاط ضعف عرفان سخنانش را ادامه داد و گفت: شاید بسیاری از آنان که در عرفان تألیفی داشته‌اند، به این نکته ظریف پی نبرده باشند که عرفان انسان را به توجه به خودش وامی‌دارد. سیر خودش و سلوک خودش است و این تجربه رانمی‌توان به کس دیگری انتقال داد، یعنی هم خودش عارف به سکوت می‌شود، هم دیگران حرف آن شخص را نمی‌فهمند. سعدی به درستی در آثارش از این مشکل عرفانی انتقاد کرده است. این نوع هم دیگری از نقد در آثار سعدی است.

## سینما

روایت فرح بخش از تهیه‌کنندگان حق‌العمل‌کار

## سینمای ایران سرما به‌گذار ثابت می‌خواهد نه رهگذار!



محمدحسین فرح‌بخش تهیه‌کننده و کارگردان سینما معتقد است که سینمای ایران نیاز به سرما به‌گذار ثابت دارد، نه سرما به‌گذارانی که امروز هی آیند! اما معلوم نیست تا سال بعد در کار سینما باشند! محمدحسین فرح‌بخش تهیه‌کننده و کارگردان سینما درباره وضعیت فعالیت بخش خصوصی در سینمای ایران به مهر گفت: باره‌این را گفته‌ام و هر بار هم که بیان کرده‌ام به بعضی از همکارانم در سینما برمی‌خورم، اما باز هم می‌گویم که در سینمای ایران چیزی به نام بخش خصوصی وجود ندارد. وی افزود: یک بار این جمله را گفتم و بعد یکی از دوستان تهیه‌کننده به من گفت که من تهیه‌کننده بخش خصوصی نیستم؟ به او گفتم که در طول فعالیت در سینما سه فیلم تهیه کرده‌ای و این بخش خصوصی نیست، در واقع ما به دنبال بخش خصوصی مستمر هستیم که همیشه فعال باشد. وی بیان کرد: بر اساس این تعریف تنها من و عبدالله علیخانی بخش خصوصی سینمای ایران هستیم و دیگر کسی به معنای واقعی بخش خصوصی نیست، اگر کسان دیگری را می‌بینید که اسمشان در لیست بخش خصوصی است، حق‌العمل کارند! یعنی این افراد سرمایه‌گذارانی را بیرون سینمای می‌آورد که ممکن است سال دیگر نخواهند در سینما سرمایه‌گذاری کنند، ما باید در سینما سرمایه‌گذار ثابت داشته باشیم که چنین چیزی در سینما وجود ندارد. اگر کسان دیگری را می‌بینید که اسمشان در لیست بخش خصوصی است، حق‌العمل کارند! یعنی این افراد سرمایه‌گذارانی را بیرون سینمای می‌آورد که ممکن است سال دیگر نخواهند در سینما سرمایه‌گذاری کنند، ما باید در سینما سرمایه‌گذار ثابت

می‌دهد در سینمای ایران بخش خصوصی وجود ندارد.